

گفت‌وگو با مرجان شیرمحمدی نویسنده و بازیگر فیلم سینمایی آذر، شهدخت، پرویز و دیگران

حساسیت‌های آذر را دوست دارم

احمد محمداسماعیلی

داستانی نوشتم. در زمان قبلی من قهرمان داستان یک مرد است.

این ایده بر اثر تجربیات و زندگی شخصی شما به وجود آمد و یا ریشه دیگری داشت؟

نویسنده همیشه مقداری از تخیلش و مقداری از تجربیاتش برای ساختن یک داستان مدد می‌گیرد. امین‌دارم به قول کارور من جزو آنها باشم که مقدار بیشتری از تخیلم استفاده کنم. ولی مگر می‌شود نقش تجربیات و تماس با زندگی را دست کم گرفت.

یکی از چالش‌های میان ادبیات و سینما که از دهه پنجاه با جدال قلمی میان محمود دولت‌آبادی و مسعود کیمیایی بر سر ساختن فیلم خاک آغاز شد عدم رضایت نویسنده از اقتباس رمانش در سینما است. به نظر شما بهروز افخمی چقدر در تصویری کردن رمان شما موفق بوده است؟

اقتباس بهروزافخمی از رمانم را دوست داشتم و فیلم ساخته شده به روح رمان نزدیک است.

چند جایی عنوان شد که بهروز افخمی شخصیت پرویز دیوان‌پیکری را در فیلمش نسبت به رمان شما پررنگ و برجسته‌تر کرد. به نظر شما این تغییر چقدر مورد نیاز بود؟

اسم داستان آذر، شهدخت، پرویز و دیگران است و پرویز جزو سه شخصیت اصلی رمان است. به هر حال یک کارگردان مرد این اقتباس سینمایی را انجام داده و رویکرد و نوع نگاهش در این اقتباس دیده می‌شود.

چقدر روحیات، منش و خلیقات آذر دیوان‌پیکری با خود شما نزدیک است؟

تنها تشابه میان من و آذر تجربه زندگی در خارج از کشور است و احساسش را حین برگشت به وطن درک می‌کنم. میزان حساسیت آذر نسبت به دنیای پیرامونش هم به من نزدیک است.

ریشه‌های درونی بودن آذر در چه مسائلی خلاصه می‌شود؟

در هیچ چیزی خلاصه نمی‌شود. آذر این طوری است همانطور که خواهرش برونگراست.

انتخاب نامها معمولا در رمانها و داستان‌های متفاوت و ارزشمند هدفمند هستند. آیا انتخاب قابیلی‌های دیوان پیکری و فیروزکوهی همچنین ویژگی‌هایی دارند؟

انتخاب نام فیروزکوهی نشان می‌دهد این خانواده متعلق به فیروزکوه، دماوند و اطرافش هستند و در آن منطقه قابیلی رایجی است و خیلی‌ها چنین قابیلی دارند. نام قابیلی دیوان‌پیکری را از آشنایی با پیرمردی به همین نام وام گرفتم و احساس کردم قابیلی متفاوت و خاصی است. این نام را به خاطر سپردم و در نوشتن رمانم از آن استفاده کردم.

چقدر در نوشتن رمان آذر... نسبت به استفاده

مرجان شیر محمدی بازیگری است که سوای بازیگری در سینما در سایر عرصه‌های هنری مثل نوشتن و بازیگری در تئاتر فعالیت می‌کند. این بازیگر توانا نگاه کمال‌گرایی دارد و در کارنامه بازیگریش اندک اما پیرساز نقش مانایی وجود دارند و در آن همکاری با بزرگانی مثل مسعود کیمیایی،کیانوش عیاری، علیرضا داوودنژاد و... دیده می‌شود. شیرمحمدی سال‌ها قبل نزد بزرگانی نظیر ایدین اعداشلسو و حمید سمندریان نیز شاگردی کرده است. در عرصه داستان‌نویسی هم مرجان شیر محمدی برنده جایزه مهم هوشنگ گلشیری شده است. با مرجان شیرمحمدی درباره بازی در فیلم «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» و ساختار رمان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

چند تجربه موفق اقتباس ادبی در سینما توسط داریوش مهرجویی و چند کارگردان دیگر نشان می‌دهد ادبیات منبع مناسبی برای رجوع فیلمسازان است. به نظر شما چقدر ادبیات می‌تواند در خلق آثار ماندگار به سینمای ایران کمک کند؟

یکی از مهمترین دلایل عدم توجه فیلمسازان ایرانی به اقتباس ادبی این است که اغلب فیلمسازان ما بی‌حوصله هستند و به دنبال رمان خواندن نیستند. حدود پانزده سال از چاپ اولین داستان من می‌گذرد و در این مدت تعدادی داستان کوتاه در روزنامه‌ها و مجله‌های معتبر این مملکت و چهار کتاب از من به چاپ رسیده است ولی هنوز خیلی از همکارانم در سینما با تعجب از من سوال می‌کنند که من از چه موقعی نویسنده شده‌ام.

به نوعی ادبیات دغدغه اهالی سینما نیست. اگر کارگردان‌ها و فیلمنامه‌نویسان با ادبیات تعامل داشته باشند می‌توانند به نتایج خوبی برسند.یک فیلمنامه‌نویس هر چقدر مسوزه و آیدسه در ذهنش داشته باشد باید با خواندن رمان‌های مختلف ذهنش را پرورش بدهد. فیلمنامه‌نویسانی که به ادبیات توجهی ندارند یک جایی در کارشان متوقف می‌شوند و خودشان را تکرار می‌کنند.

به نظر می‌رسد با حضور نسل جوانی از بازیگران مثل شما و بهاره رهنما که دستی در نوشتن دارند مقداری تعامل میان ادبیات و سینما بیشتر شده باشد. چقدر این مسئله اعتقاد دارید؟ خود را جزو این گروهی که اشاره کردید نمی‌دانم . ضمن احترام به همکارانم اغلب این دوستان بیشتر بازیگر هستند. و من بیشتر خود را نویسنده می‌دانم .
بازیگری اولویت اصلی من نیست. آیا داستان آذر... را می‌توانیم اثر زنانه‌ای درباره زنان طبقه مرفه ایرانی بدانیم؟

به تفکیک زنانه و یا مردانه بودن آثارم تمایلی ندارم. ایده‌ای بود که به ذهنم رسید وبر اساس آن

سیدجواد یحیوی، مجری سابق تلویزیون – انتقاداتی را نسبت به عملکرد و مدیریت صداوسیما مطرح کرد و گفت: تلویزیون ما امروز یک بازنده بزرگ در جنگ رسانه‌ای است و در این رقابت نه صاف قرار دارد. سیدجواد یحیوی که سال‌های نه چندان دور به عنوان مجری فعال و شناخته شده در تلویزیون فعالیت داشت، چند سالی است که دیگر چهره‌اش در صداوسیما دیده نشده و این روزها صحنه تئاتر را ترجیح داده و در آخرین اجرا، در نمایش «هر کس با نتهای‌اش» به عنوان بازیگر حضور دارد. به بهانه حضور این بازیگر و مجری سابق تلویزیون بر صحنه تئاتر، گفت‌وگوی مفصلی بسا او درباره چرایی‌های کنار گذاشتنش از تلویزیون، اختلاف با مدیریت صداوسیما، موضع‌گیری‌اش در انتخابات ۸۸، عملکرد صداوسیما در برخورد با مخاطب امروز، چگونگی حضور دوباره برخی چهره‌ها مثل مهران مدیری و رضا رشیدپور در صداوسیما داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

به گزارش ایسنا یحیوی درباره دوری چند ساله‌اش از تلویزیون و دلیل ممنوع‌الکاری‌اش در این رسانه گفت: هیچ وقت به تو هیچ توضیح درستی داده نمی‌شود، این به نظرم اشکالی است که در رسانه ملی این سرزمین وجود دارد.

وی ادامه داد: مجموعه نهادهای تصمیم‌گیرنده، برای اینکه تو در یک موقعیت استراتژیک حرفه‌ای کار کنی یا نکنی، اگر به این نتیجه برسند که تو نباید کار کنی، هیچ وقت به تو نمی‌گویند که چرا به این نتیجه رسیدند. راجع به آن مذاکره و گفت‌وگو نمی‌کنند و فقط تو حذف می‌شوی؛ حذفی که حتی دستت به جایی نمی‌رسد که این سوال را در ذهنت برطرف کنی.

این بازیگر با بیان اینکه در هفت سال دوری‌اش از تلویزیون با هیچ مسوولی در این رسانه درباره ممنوع‌الکاری‌اش صحبت نداشته است، تصریح کرد: در این مدت این امکان فراهم نشده است که مقابل آدمی بنشینم که مسوول و تصمیم‌گیرنده در این حوزه باشد؛ کسی که اطلاعاتش درست و دقیق باشد یا برنده من روی میز باشد و ببینم که در مورد من چیزهایی می‌خواند یا می‌داند و براساس یکسری مستندات با من حرف بزند. هرگز این اتفاق نیفتاده و هیچ مرجعی پاسخگو نبوده است.

یحیوی در پاسخ به این پرسش که آیا خودش پیگیری برای صحبت با مسوولان صداوسیما درباره ممنوع‌الکاری‌اش داشته است یا خیر افزود: اگر پیگیری به این معناست که من مثل عابری بروم و درهای متعدد یک وزارتخانه عرضی و طولی، بی‌در و پیکر یا بی سر و ته را بزنم و بگویم تو را به خدا یکی بگویند چرام نمی‌توانم در این سرزمین کاری که بلدم را انجام دهم، نه این کار را انجام ندهادم.

با مدیریت صداوسیما اختلاف داشتیم

این مجری سابق تلویزیون ادامه داد: اما در مجموع به واسطه ارتباطاتی که داشتم و فرصت‌های پیش آمده، مدیر گروه شبکه‌ای برای اینکه برنامه‌ای را من اجرا کنم، پیگیری کرد، با حراست و با معاونت سیما صحبت کرده، اما بعد گفت‌فاند نه! نمی‌شود و حتی او هم دلیلش را به من نگفت.

یحیوی درباره اینکه چه حدسی درباره دلایل ممنوع‌الکاری‌اش در تلویزیون می‌زند، تصریح کرد: حدسمن این است که من در دوره‌ای با جریانی که

گفت‌وگو با مرجان شیرمحمدی نویسنده و بازیگر فیلم سینمایی آذر، شهدخت، پرویز و دیگران

حساسیت‌های آذر را دوست دارم

احمد محمداسماعیلی



اصولا بخواهم برایش تعریفی داشته باشم توجه به اهمیت خانواده است. خانواده برایم مهم است. کار کرده‌اند. دهر نسلی آدم‌هایی وجود دارند که این مدل از زندگی را انتخاب می‌کنند.

برخی از دیالوگ‌های فیلم جملاتی کلیدی و با اهمیتی هستند مثل آدم‌هایی که می‌خوانند خوب باشند خطرناک می‌شوند. در نحو دیالوگ‌نویسی چگونه عمل کردید؟

آدم‌های داستان باید باورپذیر باشند و بخشی از این باورپذیری به حرف‌ها و دیالوگ‌هایی است که در طول قصه شخصیت‌ها بیسان می‌کنند. و با بنیابراین فقط تلاش می‌کنم داستانی خلق کنم تا خواننده کتاب با وارد شدن به دنیای داستانتم با آن درگیر شودو رعبد از خواندن داستان انگار تجربه‌ای را پشت سر گذاشته باشد. بنابراین اهل پیام دادن و موقظه نیستم.

آیا ریشه اعمال و نتایجی بهرام کیانی مربوط به اتفاقی است که در نسل او نسبت به نسل قبلی وجود دارد؟

بهرام کیانی زندگی آرام و بدون هیاهو را انتخاب کرده است. برای این کارش دلالتی داشته است. کرد نسل قبل‌تر هم هنرمندان و نقاشانی می‌شناسم که

رک گویی مجری ممنوع الکار درباره انتخابات ۸۸

اگر تلویزیون ملی است پس شجریان و بیضایی کجایند؟!



وجود ندارد، گفت: بعضی از این ممنوع‌الکاری‌ها یا کم‌کاری‌ها متأسفانه به فضای اندیشه، رفتارهای

فرهنگی و فعالیت اجتماعی هیچ ارتباطی ندارد.

شباهت مادرزادی محمود بصبیری در رئیس‌جمهور سابق نه برایشان امتیاز است و نه چیز منفی است، واقعا در مورد این اتفاقات آدم نمی‌داند چه بگوید.

او درباره دلایل دوری مهران مدیری هنرمندی که بعد از چند سال فعالیت در شبکه نمایش خانگی قرار

است بار دیگر به تلویزیون بازگردد، ادامه داد: مهران مدیری هیچ‌وقت با سازمان صداوسیما اختلافی نداشته

است. در «فهره تلخ،» تهیه‌کنندگان آن حمید و مجید آقاگلین سر باکس تبلیغات این مجموعه در تلویزیون فحش نداده است. بعد از آن هم مهران مدیری فکر کرد که این مجموعه برای او بیرون از سازمان ادامه خواهد داشت، از آقاگلین‌ها جدا شد و کارهای بعدی‌اش را ساخت و به آن توفیق‌ها دست پیدا کرد یا نکرد، به هر حال امروز این انگیزه را دارد که به تلویزیون برگردد، تلویزیون هم معلوم است که می‌پذیرد.

از این جهت آقای دارابی درست گفته‌اند و هنرمند ممنوع‌الکاری در تلویزیون نداریم.

نقد یک قرن فیلم‌سازی

سعید ضروری

بـراو و جنی گولـد، کارگردان معروف‌هایلوود و مبتلا به دیستروفی عضلانی است که فیلم مستندش با نام Cinemability به طور رسمی در سالگرد امضای قانون حمایت از معلولین آمریکا (ADA) در لس آنجلس به نمایش درآمد. در مراسم رونمایی از این فیلم مستند، بسیاری از بازیگران معروف دارای معلولیت که در آن نقش داشتند هم حاضر شدند. از معروفترین چهره‌هایی که در این مراسم حضور داشتند گری جوول اولین فرد دارای معلولیتی است که به طور منظم در مجموعه تلویزیونی «واقعیت‌های زندگی» در دهه ۸۰ میلادی ایفای نقش کرد. این فیلم مستند از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با بازیگران، نویسندگان و فیلمسازان صنعت سینما به بررسی یک قرن بازنمایی و حضور افراد معلول در فیلم‌ها و همچنین به نحوه تکامل نمایش آنها در این صنعت می‌پردازد. در کنار هم قرار گرفتن تصاویر و برش‌های مختلفی از فیلم‌هایی که افسراد دارای معلولیت در آنها حضور داشتند نشان می‌دهد در دهه‌های گذشته سینما چگونه به تصویر سازی از معلولین پرداخته است و در مواردی تصاویر نادرست و غیرواقعی از آنچه افراد معلول هستند را در معرض نمایش قرار داده است. این تصاویر نادرست را می‌توان در شخصیت‌هایی یافت که نماد بی‌تحریک و ناتوانی هستند یا در سوی دیگر بد ن داستان به تناسب کارهای خط و خطای خود به معلولیت دچار شده است. به راحتی می‌توان بی برد در گذشته نگاه غالب به معلولیت در فیلم‌سازی‌ها همان نگاه سنتی است که شخصیت دارای معلولیت باید باعث ایجاد ترحم و درس عبرت در بیننده شود.

استفاده ابزاری برای ایجاد احساس ترحم در بیننده بسد ترین نوع نمایش تصویر معلولین در رسانه است هر چند در فیلم‌های امروزی در غرب این نگاه بسیار کمتر از گذشته شده است و می‌توان گفت تصویر سازی از افراد دارای معلولیت تا حدودی به بلوغ خود رسیده است. کاستی‌ها و ریشه این نوع شخصیت پردازی را می‌توان به عدم شناخت و فاصله خالی بین فیلم‌سازان، مستندسازان و جامعه معلولین نسبت داد. هدف واکنش تند و کج جنبه به وجود بد ن فیلم‌ها بر روی ویلچر و یا هر نوع معلولیتی نیست بلکه تعدد این اتفاق و نادر بودن نمایش آن سوی ماجرا باعث واکنش معلولین نسبت به اینگونه فیلم سازی‌ها می‌شود. لازم است بطور مختصم معلولین بر روی جامعه تاثیر گذار باشند و مانند سایر افراد در سربال‌ها و فیلم‌ها در نقش اجتماعی و انسانی خودشان دیده شوند. با توجه به نقش موثر سینما بر شکل گیری باورها و عقاید جامعه، تصور می‌شود این فیلم مستند تاثیر مهمی بر ارائه چهره واقعی معلولین در سینما در سراسر دنیا داشته باشد. فیلم مستند Cinemability در روزی در فضای مجازی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت.

تبدیل شده است، گفت: رسانه ملی یک ایراد ماهوی پیدا کرده است، رسانه قرار است پیامی را از آن طرف به این طرف منتقل کند اما هیچ چیزی منتقل نمی‌شود. حتی پیام‌هایی که برای مدیران آن سازمان جذابیت داشته باشد هم دیگر منتقل نمی‌شود، برای اینکه رسانه ناکارآمد شده است.

یحیوی در پاسخ به این پرسش که آیا حاضر است با ایسن اوصاف به تلویزیون برگردد، گفت: اگر امکان اجرای کار خوب باشد، حتما برمی‌گردم، شاید اینکار را بهتر از هر کار دیگری در دنیا بلد باشم. من سال‌هایی را گذراندم که با اعصاب، وقت و پول مردم آزمون و خطاهایم را گذرانده بودم. تازه احساس می‌کردم به حد نصابی از بلوغ در کار رسیدم، من امسال ۴۰ ساله شلده‌ام، ولی از ۲۱ سالگی جلوی دوربین بودم، حتما این آدم ۴۰ ساله عاقل‌تر، عمیق‌تر و داناتر نسبت به آن روز خودش شده است

چیزهایی به غیر از آنچه صداوسیما یاد داد یاد گرفتیم

وی افزود: اتفاقا الان روزهای کار کردن و ثمر دادن من است و چون از دنیای فرهنگ و هنر اخراج نشده‌ام، می‌روم در تئاتر و سینما کار می‌کنم، شعرهایم را جمع و جور می‌کنم، عکس می‌گیرم، سعی می‌کنم در همین حوزه‌هایی که کار بلدم، زندگی و تجربه کنم و خودم را به‌توانم و آموخته‌تر کنم، ولی رسانه‌ای که برای من این همه هزینه کرده است تا کاری را یاد بگیرم، امروز از من بهره‌ای نمی‌برد. من فراتر از آن چیزهایی که تلویزیون به من یاد داد، چیزهای دیگری یاد گرفتم و شاید از نظر تلویزیون همین چیزهای دیگری که من یاد گرفتم اضافه است.

یحیوی با بیان اینکه چیزهایی که خارج از صدا و سیما یاد گرفته است، تصریح کرد: من یاد گرفتم با مردم واقعی حرف بزنم و برخورد کنم، شاید این را تلویزیون هیچ وقت از من نپذیرد. من یاد گرفتم اگر برنامه‌های اجتماعی می‌سازم، مستنداتی از دل اجتماع داشته باشم، به در تخیل خودم فکر کنم زیرا اینگونه زندگی می‌کنند. پس بروم درباره آن برنامه بسازم.

رسانه ملی بازنده بزرگ در جنگ رسانه‌ای است
این هنرمند تئاتر درباره اینکه آیا در چند سالی که از تلویزیون دور بوده است، مخاطب این رسانه بوده است یا نه، گفت: مخاطب تلویزیون نیستم، فقط تک برنامه‌هایی مثل فوتبال‌ها که تولید صداوسیما نیست یا برنامه منصور ضابطیان را می‌بینم، شاید در هفته پنج ساعت تلویزیون ببینم که چهار ساعتش فوتبال است.

این مجری سابق درباره وضعیت صداوسیما در رقابت با رسانه‌های دیگر تصریح کرد: تلویزیون ما امروز یک بازنده بزرگ در جنگ رسانه‌ای است و در رقابت رسانه‌ای ت صف است. دلیلش هم این است که اساسا رسانه فراتر از مرز، زمان، مکان، ملیت و جغرافیا پیامی را منتقل می‌کند، حرفی را انتشار می‌دهد که برای انسان آگاه و عاقل امروز که درباره تفسیرهای پلان یک فیلم فکر می‌کند جایزه تمدن است اما بعد ما می‌گوییم این آدم صلاحیت برخورد با هر تصویر، شنیدن هر چیز و منتقل شدن هر پیامی را ندارد و ما باید بگوییم چه پیام‌ها را دریافت کند و چه پیام‌هایی را دریافت نکند.

بعد یک رسانه ایدئولوژیک تعریف می‌کنیم و هر چیزیی که خارج از این ایدئولوژی باشد حذف می‌شود.

بـراو و جنی گولـد، کارگردان معروف‌هایلوود و مبتلا به دیستروفی عضلانی است که فیلم مستندش با نام Cinemability به طور رسمی در سالگرد امضای قانون حمایت از معلولین آمریکا (ADA) در لس آنجلس به نمایش درآمد. در مراسم رونمایی از این فیلم مستند، بسیاری از بازیگران معروف دارای معلولیت که در آن نقش داشتند هم حاضر شدند. از معروفترین چهره‌هایی که در این مراسم حضور داشتند گری جوول اولین فرد دارای معلولیتی است که به طور منظم در مجموعه تلویزیونی «واقعیت‌های زندگی» در دهه ۸۰ میلادی ایفای نقش کرد. این فیلم مستند از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با بازیگران، نویسندگان و فیلمسازان صنعت سینما به بررسی یک قرن بازنمایی و حضور افراد معلول در فیلم‌ها و همچنین به نحوه تکامل نمایش آنها در این صنعت می‌پردازد. در کنار هم قرار گرفتن تصاویر و برش‌های مختلفی از فیلم‌هایی که افسراد دارای معلولیت در آنها حضور داشتند نشان می‌دهد در دهه‌های گذشته سینما چگونه به تصویر سازی از معلولین پرداخته است و در مواردی تصاویر نادرست و غیرواقعی از آنچه افراد معلول هستند را در معرض نمایش قرار داده است. این تصاویر نادرست را می‌توان در شخصیت‌هایی یافت که نماد بی‌تحریک و ناتوانی هستند یا در سوی دیگر بد ن داستان به تناسب کارهای خط و خطای خود به معلولیت دچار شده است. به راحتی می‌توان بی برد در گذشته نگاه غالب به معلولیت در فیلم‌سازی‌ها همان نگاه سنتی است که شخصیت دارای معلولیت باید باعث ایجاد ترحم و درس عبرت در بیننده شود.

اصولا بخواهم برایش تعریفی داشته باشم توجه به اهمیت خانواده است. خانواده برایم مهم است. کار کرده‌اند. دهر نسلی آدم‌هایی وجود دارند که این مدل از زندگی را انتخاب می‌کنند.

برخی از دیالوگ‌های فیلم جملاتی کلیدی و با اهمیتی هستند مثل آدم‌هایی که می‌خوانند خوب باشند خطرناک می‌شوند. در نحو دیالوگ‌نویسی چگونه عمل کردید؟

آدم‌های داستان باید باورپذیر باشند و بخشی از این باورپذیری به حرف‌ها و دیالوگ‌هایی است که در طول قصه شخصیت‌ها بیسان می‌کنند. و با بنیابراین فقط تلاش می‌کنم داستانی خلق کنم تا خواننده کتاب با وارد شدن به دنیای داستانتم با آن درگیر شودو رعبد از خواندن داستان انگار تجربه‌ای را پشت سر گذاشته باشد. بنابراین اهل پیام دادن و موقظه نیستم.

آیا ریشه اعمال و نتایجی بهرام کیانی مربوط به اتفاقی است که در نسل او نسبت به نسل قبلی وجود دارد؟

بهرام کیانی زندگی آرام و بدون هیاهو را انتخاب کرده است. برای این کارش دلالتی داشته است. کرد نسل قبل‌تر هم هنرمندان و نقاشانی می‌شناسم که اصولا بخواهم برایش تعریفی داشته باشم توجه به اهمیت خانواده است. خانواده برایم مهم است. کار کرده‌اند. دهر نسلی آدم‌هایی وجود دارند که این مدل از زندگی را انتخاب می‌کنند.

برخی از دیالوگ‌های فیلم جملاتی کلیدی و با اهمیتی هستند مثل آدم‌هایی که می‌خوانند خوب باشند خطرناک می‌شوند. در نحو دیالوگ‌نویسی چگونه عمل کردید؟

آدم‌های داستان باید باورپذیر باشند و بخشی از این باورپذیری به حرف‌ها و دیالوگ‌هایی است که در طول قصه شخصیت‌ها بیسان می‌کنند. و با بنیابراین فقط تلاش می‌کنم داستانی خلق کنم تا خواننده کتاب با وارد شدن به دنیای داستانتم با آن درگیر شودو رعبد از خواندن داستان انگار تجربه‌ای را پشت سر گذاشته باشد. بنابراین اهل پیام دادن و موقظه نیستم.

آیا ریشه اعمال و نتایجی بهرام کیانی مربوط به اتفاقی است که در نسل او نسبت به نسل قبلی وجود دارد؟

بهرام کیانی زندگی آرام و بدون هیاهو را انتخاب کرده است. برای این کارش دلالتی داشته است. کرد نسل قبل‌تر هم هنرمندان و نقاشانی می‌شناسم که

اصولا بخواهم برایش تعریفی داشته باشم توجه به اهمیت خانواده است. خانواده برایم مهم است. کار کرده‌اند. دهر نسلی آدم‌هایی وجود دارند که این مدل از زندگی را انتخاب می‌کنند.

برخی از دیالوگ‌های فیلم جملاتی کلیدی و با اهمیتی هستند مثل آدم‌هایی که می‌خوانند خوب باشند خطرناک می‌شوند. در نحو دیالوگ‌نویسی چگونه عمل کردید؟

آدم‌های داستان باید باورپذیر باشند و بخشی از این باورپذیری به حرف‌ها و دیالوگ‌هایی است که در طول قصه شخصیت‌ها بیسان می‌کنند. و با بنیابراین فقط تلاش می‌کنم داستانی خلق کنم تا خواننده کتاب با وارد شدن به دنیای داستانتم با آن درگیر شودو رعبد از خواندن داستان انگار تجربه‌ای را پشت سر گذاشته باشد. بنابراین اهل پیام دادن و موقظه نیستم.

آیا ریشه اعمال و نتایجی بهرام کیانی مربوط به اتفاقی است که در نسل او نسبت به نسل قبلی وجود دارد؟